

نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران

کوثر پیرنیا^۱

محمدامین ابریشمی راد^۲

چکیده

با گسترش فزاینده استفاده از اینترنت و فضای مجازی، کشورهای متعددی درصدد سامان دهی فضای مجازی برآمدند. در این راستا، شورای عالی فضای مجازی در سال ۱۳۹۰ با حکم مقام معظم رهبری به منظور تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در عرصه فضای مجازی در ایران تأسیس شد. این شورا در سال‌های گذشته، قواعد حقوقی متعددی را در عرصه فضای مجازی به تصویب رسانده است. با توجه به صلاحیت‌های گسترده شورای عالی فضای مجازی در تدوین مقررات الزام‌آور و ایجاد حقوق و تکالیف متعدد برای شهروندان، این مقاله در پی آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که ضرورت، موانع و شیوه‌های ممکن برای نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران چیست؟

در پژوهش حاضر، در قالبی توصیفی-تحلیلی، این نتیجه به دست آمد که عواملی هم‌چون مبهم بودن ماهیت مصوبات شورای عالی فضای مجازی و الزامی نبودن انتشار مصوبات این شورا، مانع نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی است. با رفع این موانع و توجه به ضرورت نظارت بر این مصوبات باید زمینه نظارت مردم، فقهای شورای نگهبان، مقام رهبری و دیوان عدالت اداری را بر مصوبات این شورا فراهم کرد و رویه‌های خلاف این یافته، نیازمند اصلاح هستند.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، شورای عالی فضای مجازی، مصوبات شورای عالی فضای مجازی، ترتیب آثار قانونی، دیوان عدالت اداری.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول) Abrishmirad@semnan.ac.ir

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه سمنان با عنوان «نظارت‌پذیری مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران» است.

مقدمه

ضرورت ورود دولت‌ها به حوزه فضای مجازی موجب شد تا در دوره‌های مختلف، مراجع متعددی در این زمینه قاعده‌گذاری کنند. در این زمینه، پیرو ابلاغ سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای^۱ از سوی مقام معظم رهبری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای را در سال ۱۳۸۰ به تصویب رساند. در این مصوبه بر رعایت حقوق داخلی در موضوعات اجتماعی، فرهنگی و فنی کشور تأکید شد. مقررات پراکنده دیگری نیز در این زمینه به چشم می‌خورد که از جمله آن‌ها می‌توان به قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران، قانون تجارت الکترونیک (مصوب ۱۳۸۲) و مصوبات کمیسیون تنظیم و مقررات ارتباطات در سال ۱۳۸۴ و نظایر آن اشاره کرد.

با توجه به تعدد و پراکندگی مراجع دخیل در حوزه فضای مجازی و ضرورت مدیریت متمرکز این حوزه، با حکم مقام رهبری، «شورای عالی فضای مجازی» به منظور سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در زمینه فضای مجازی کشور در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ تأسیس شد. در حکم تأسیس و نصب اعضای این شورا بیان شده است که «گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به ویژه شبکه جهانی اینترنت و آثار چشم‌گیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و هم‌چنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه کانونی متمرکز برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور به وجود آید».^۲

با تأسیس شورای عالی فضای مجازی باید این شورا را مرکز سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در حوزه فضای مجازی کشور دانست و هم‌چنان که در حکم تصریح شده است، این شورا «با اختیارات کافی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود».

۱. نامه شماره ۱۰۷۲/۱ مورخ ۱۳۸۰/۳/۱۳ دفتر مقام معظم رهبری.

۲. برای مشاهده حکم مقام معظم رهبری نک:

ممکن است در مورد ماهیت، شیوه تشکیل، قانونی بودن و امکان تعیین حق و تکلیف برای شهروندان توسط شورای عالی فضای مجازی، اشکال‌ها و ابهام‌هایی مطرح شود^۱ که بررسی این موضوعات به پژوهش‌های حقوقی نیاز دارد. در این میان، باید این واقعیت را پذیرفت که امروزه شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران، الزامات حقوقی وضع می‌کند و دستگاه‌های اجرایی و نظام قضایی این الزامات را لازم‌الاتباع می‌دانند. این پژوهش در نظر دارد تا امکان پذیر بودن یا نبودن نظارت بر مصوبات این شورا، موانع آن و شیوه‌های نظارت بر مصوبات این شورا را بررسی کند. از این رو، به روش توصیفی-تحلیلی تلاش خواهد کرد تا به این پرسش اصلی پاسخ دهد که ضرورت، موانع و شیوه‌های ممکن برای نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران چیست؟

فرضیه نویسندگان تحقیق آن است که با توجه به حکومت اصل ۴ قانون اساسی بر «اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر»، فقهای شورای نگهبان صلاحیت اعمال نظارت شرعی بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی را دارند. هم‌چنین با توجه به صلاحیت عام دیوان عدالت اداری برای نظارت بر «آیین‌نامه‌های دولتی» (اصل ۱۷۳ قانون اساسی)، این دیوان باید بر مقررات مصوب شورای عالی فضای مجازی نظارت کند.

در خصوص پیشینه موضوع این تحقیق باید گفت که با توجه به نوپا بودن شورای عالی فضای مجازی، تاکنون پژوهشی در خصوص امکان نظارت بر مصوبات این شورا و به صورت خاص، روش‌های نظارت بر مصوبات و موانع آن صورت نگرفته و از این جهت، موضوع این تحقیق، بدیع است. علاوه بر آن، در حال حاضر، ابهام در امکان یا روش‌های نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی می‌تواند به تزییع حقوق و آزادی‌های شرعی و قانونی مردم منجر شود و از این جهت، پرداختن به این موضوع ضروری است.

۱. برخی از حقوق دانان معتقدند که مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در صورتی که مصلحت ایجاب کند، مانعی برای ولی فقیه در تأسیس یک نهاد جدید و اختیار تصویب مصوبات مختلف به واسطه آن وجود نخواهد داشت. (الهام، غلام حسین و سید مصطفی میرمحمدی میبدی، «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۷)، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷) البته این رویکرد، منتقدانی دارد که بررسی تفصیلی آن از موضوع مقاله حاضر خارج است.

برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های این تحقیق و اثبات فرضیه ذکرشده، پس از معرفی اجمالی جایگاه و ساختار شورای عالی فضای مجازی (بند ۱)، به اثبات ضرورت نظارت بر مصوبات این شورا می‌پردازیم (بند ۲). سپس موانع نظارت بر مصوبات این شورا، بررسی و ارزیابی (بند ۳) و در نهایت، روش‌های ممکن برای نظارت بر مصوبات این شورا معرفی می‌شود (بند ۴).

گفتار اول: معرفی اجمالی جایگاه و ساختار شورای عالی فضای مجازی

شکل‌گیری شورای عالی فضای مجازی مبتنی بر سه ایده کلی بود: اول آن‌که به دلیل ماهیت فضای مجازی و فرهنگی بودن موضوع، این شورا به عنوان زیرمجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی شناسایی شود. دوم، با توجه به وجوه امنیتی موضوع، این شورا، زیرمجموعه شورای عالی امنیت ملی تشکیل شود. در نهایت، ایده تشکیل شورای عالی فضای مجازی به صورت مستقل مطرح گردید^۱ که پیشنهاد اخیر پذیرفته شد. اکنون این شورا به عنوان مرجعی مستقل و برگرفته از حکم حکومتی مقام رهبری، به ریاست رئیس جمهور به عنوان مرکز سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در حوزه فضای مجازی کشور شناخته می‌شود.

در خصوص ساختار شورای عالی فضای مجازی باید گفت که در حکم تأسیس شورای عالی فضای مجازی، دو دسته اعضای حقوقی و حقیقی شناسایی شده‌اند. اعضای حقوقی این شورا، ترکیبی فراقوه‌ای مشتمل بر «رئیس جمهور (رئیس شورای عالی)، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضاییه، رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، دبیر شورای عالی و رئیس مرکز، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر اطلاعات، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» است. اعضای حقیقی نیز به انتخاب مقام رهبری به مدت سه سال، عضو این شورا خواهند بود.

در ذیل این شورا، به موجب حکم مقام رهبری، شورای عالی فضای مجازی مکلف شده است مرکزی به نام مرکز ملی فضای مجازی کشور ایجاد کند تا با اشراف کامل و روزآمد بر فضای مجازی

۱. وکیلی، امیرحسین، «بررسی جایگاه، ساختار و صلاحیت‌های شورای عالی فضای مجازی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، تهران مرکز، ص ۱۳.

در سطح داخلی و جهانی نسبت به مواجهه فعال و خردمندانه با این موضوع از نظر سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی تصمیم‌گیری و بر اجرای دقیق تصمیمات در همه سطوح نظارت‌کنند. به موجب عبارت ذیل حکم یادشده، «کلیه دستگاه‌های کشور» به «همکاری همه‌جانبه با این مرکز» موظف شده‌اند.

نکته قابل توجه در خصوص ساختار شورای عالی فضای مجازی آن است که به استناد پیوست حکم مقام رهبری که «نکات اساسی در مورد وظایف شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی با تأکید بر توجه جدی به آن» در این پیوست تعیین شده، شورای عالی فضای مجازی تاکنون ارکان جدیدی تأسیس کرده است. از جمله این ارکان می‌توان به سه کمیسیون عالی: «کمیسیون عالی ارتقای تولید محتوای فضای مجازی کشور»، «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی» و «کمیسیون عالی امنیت فضای مجازی» اشاره کرد که در راستای اجرای بند (ب) ۲۱ پیوست حکم مقام رهبری و در نهمین جلسه شورای عالی فضای مجازی (۱۳۹۱/۱۱/۲۲) به تصویب رسید.^۱

از سوی دیگر، با توجه به ترکیب شورای عالی فضای مجازی که از مقامات عالی‌رتبه تشکیل شده است و این امر، برگزاری منظم جلسات این شورا را مشکل می‌سازد، تشکیل «شورای معین شورای عالی فضای مجازی کشور» به موجب ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی این شورا، یکی از تمهیداتی است که چالش‌های مضاعفی در نظام حقوقی کشور ایجاد کرده است. طبق این ماده، «به منظور استفاده بهینه از وقت جلسات شورای عالی و تمرکز زمان جلسات بر مسائل اساسی و سیاست‌گذاری کلان در اهم مسائل و موضوعات فضای مجازی، در ابتدای هر دوره، شورایی تحت عنوان «شورای معین شورای عالی فضای مجازی کشور»، مرکب از اعضای حقیقی شورای عالی به همراه اعضای حقوقی شورای عالی یا نمایندگان ثابت معرفی شده از سوی آنان که حداقل سمت معاونت یا سمت هم‌تراز در دستگاه ذی‌ربط دارند، تشکیل می‌شود. وظیفه شورای مزبور، بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص موضوعاتی است که از سوی شورای عالی به این شورا محول می‌شود».

۱. شرح وظایف، اختیارات و اعضای سه کمیسیون عالی یادشده در هشتمین، نهمین و دهمین جلسه شورای عالی فضای مجازی در تاریخ‌های ۱۳۹۱/۵/۲۵، ۱۳۹۱/۷/۲۲ و ۱۳۹۱/۹/۱۱ تصویب و پس از استحضار مقام رهبری برای اجرا ابلاغ شد. (نجابت‌خواه، مرتضی، «ساختار و جایگاه حقوقی مرکز ملی فضای مجازی»، نشریه حقوق اساسی، دوره دوازدهم، شماره ۲۴، ۱۳۹۴، ص ۲۱۱)

در زمینه صلاحیت‌های شورای معین باید دانست که بر اساس تبصره ۵ ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای عالی، «مصوبات شورای معین، ظرف مدت دو هفته بعد از ارسال به اعضا و اعلام وصول و قرائت در شورای عالی، در صورت درخواست حداقل پنج نفر از اعضای شورای عالی، در شورای عالی مجدداً مطرح می‌شود و در غیر این صورت، مصوب تلقی خواهد شد». پس اگر حداقل پنج نفر از اعضای شورای عالی، بررسی مصوبات شورای معین را درخواست نکنند، مصوبات این شورا بدون نیاز به بررسی و تأیید مجدد توسط شورای عالی و صرفاً پس از اطلاع آن شورا معتبر خواهد بود.

از ظاهر مواد یادشده چنین برمی‌آید که در حکم مقام رهبری، امکان تفویض صلاحیت‌های شورای عالی فضای مجازی به شوراهای فرعی پیش‌بینی نشده است و برخلاف اصل عدم تفویض صلاحیت به عنوان یکی از اصول پذیرفته‌شده در حوزه حقوق عمومی^۱، شورای عالی فضای مجازی با تأسیس یک شورای فرعی (شورای معین)، اختیارات خود از جمله سیاست‌گذاری و تصویب مقررات را به این شورا واگذار کرده است. در مقام توجیه این اشکال ممکن است گفته شود که آیین‌نامه داخلی شورای عالی پس از تصویب اعضا به استحضار مقام رهبری رسیده است و با توجه به مخالفت نداشتن مقام رهبری با تشکیل آن، مشابه دیگر احکام حکومتی رهبری محسوب می‌شود. این در حالی است که از واژه «استحضار» نمی‌توان «تأیید» مصوبه را استنباط کرد. از این جهت، شورای معین قابل انتساب به حکم مقام رهبری نیست و از نظر حقوقی، تشکیل شورای معین با اختیارات یادشده مشخصاً خلاف ضوابط حقوقی است.

گفتار دوم: اثبات ضرورت نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی

«نظارت»، مقوله‌ای است که از دیرباز، ذهن اندیشمندان حقوق عمومی را به خود مشغول کرده است. امروزه نظارت‌پذیری به دلیل آثاری که بر تحقق اصول حقوق عمومی نظیر تضمین حاکمیت قانون، تفکیک قوا و اجرای صحیح قانون اساسی دارد، به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها

۱. اصل عدم تفویض یکی از اصول سنتی حوزه حقوق اساسی و حقوق اداری است. بنا بر این اصل، هیچ مقامی حق ندارد اختیارات قانونی خود را به شخص دیگری تفویض کند. برای تفویض اختیار باید موارد تفویض و اشخاصی که به نفع آنان می‌توان تفویض اختیار کرد، در قانون، معین و پیش‌بینی شده باشد. (طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران: سمت، ۱۳۹۵، ص ۶۳) بنابراین، تفویض اختیار، اصل نیست، بلکه استثناست. (امامی، محمد و کورش استوارسنگری، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۳۹۵، ص ۸۳)

و ویژگی‌های حکومت‌های نوین به شمار می‌آید. در ادبیات حقوقی، «نظارت»، مجموعه عملیاتی است که در آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این طریق، از مطابقت داشتن نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به دست آید.^۱

نظارت‌پذیری ارکان و تصمیمات حکومت در ادبیات دینی نیز دارای مبانی و مستندات محکمی است. در این زمینه، با عنایت به این‌که زمام‌داران و رهبران جامعه و نمایندگان آن‌ها (به جز معصومین)، معصوم نیستند و احتمال بروز خطا از جانب آن‌ها مفروض است، منفعت عمومی اقتضا می‌کند تا مردم بر کار آنان نظارت کنند و موارد انحراف را به صورت مقتضی متذکر شوند.^۲ این موضوع چنان اهمیتی دارد که معصومین (ع) همیشه کارگزاران و جامعه را به نظارت بر اعمال حکومت متذکر شده‌اند. برای نمونه، امام علی (ع) در خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه در پاسخ به ستایش یکی از اصحاب فرمود: «... از گفتن حق و مشورت به عدل، از من خودداری نکنید؛ زیرا من آن چنان برتر نیستم تا از خطا، مصون و در رفتار، ایمن باشم، مگر آن‌که خدا مرا بر نفس خود مسلط کند».

نظارت‌پذیری ارکان و تصمیمات حکومت در حکومت‌های نوین اهمیت مضاعفی دارد؛ چون قاعده‌مندسازی چگونگی اعمال قدرت سیاسی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت‌های امروزی است که از آن با عنوان «متمدن‌سازی پدیده قدرت» یاد می‌شود.^۳ برای مصون داشتن قدرت از خطاها و خودکامگی‌ها لازم است تا مراجع قانونی همواره بر اعمال و تصمیمات حاکمان نظارت کنند. وجود سازوکارهای قانونی و مطمئن برای نظارت بر حکومت می‌تواند از فساد حکومت جلوگیری کند. این ویژگی را می‌توان یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز نظام‌های مردم‌سالار با غیر آن به شمار آورد. در واقع، در نظام‌های مردم‌سالار به دلیل توجه به نظارت‌پذیری و پاسخ‌گویی به مطالبات و نیازهای مردم و مصالح عمومی، قدرت بلامنازع دولت، مقید و مشروط می‌گردد و رضایت‌مندی مردم جلب می‌شود.^۴

۱. اخوان کاظمی، بهرام، نظارت در نظام اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۳۱.

۲. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، تهران: میزان، ۱۳۹۴، ص ۲۴۷.

۳. عمید زنجانی، عباس‌علی و ابراهیم موسی‌زاده، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۰.

۴. اخوان کاظمی، پیشین، ص ۱۳۰.

با عنایت به مبانی و ادله ذکرشده، چه از منظر فقهی و چه از منظر حقوقی، ضرورت نظارت‌پذیری اقدامات و تصمیمات ارکان حکومت، امری بدیهی و مسجل است و نیازی به طرح مباحث تفصیلی نیست. از این رو، با فرض پذیرش صلاحیت شورای عالی فضای مجازی و ارکان آن برای تصمیم‌گیری‌های لازم‌الاتباع، پیش‌بینی و اعمال نظارت مستمر بر این گونه مصوبات، ضروری است.

گفتار سوم: موانع نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی

با پذیرش ضرورت نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی و مشخص بودن نقش این نظارت بر تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، اعمال نظارت بر مصوبات این شورا با موانعی روبه‌روست که پیش از شناسایی روش‌های نظارت بر این قبیل مصوبات باید این موانع را شناسایی و تحلیل کرد. با این مقدمه، در ادامه، دو عامل مبهم بودن ماهیت مصوبات شورای عالی فضای مجازی و الزامی نبودن انتشار مصوبات این شورا بررسی و تحلیل می‌شوند.

بند اول: مبهم بودن ماهیت مصوبات این شورا

یکی از مهم‌ترین عواملی که بر امکان نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی اثرگذار است، ابهام در ماهیت مصوبات این شورا است. با توجه به تشکیل شورای عالی فضای مجازی به موجب حکم مقام رهبری و شناسایی صلاحیت «سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در حوزه فضای مجازی» برای شورای عالی فضای مجازی و از سوی دیگر، با عنایت به تأکید ایشان در حکم تشکیل این شورا مبنی بر این که «به کلیه مصوبات آن، ترتیب آثار قانونی داده شود»، تا زمانی که ماهیت مصوبات این شورا تعیین نشود و جایگاه آن در سلسله مراتب هنجاری نظام حقوقی کشور مشخص نگردد، نمی‌توان روش‌های نظارت بر این قبیل مصوبات را مشخص کرد.

در این زمینه ابتدا باید اشاره کرد که اگر مصوبات شورای عالی فضای مجازی صرفاً سیاست‌گذاری در حوزه فضای مجازی به شمار آیند، با عنایت به این که در بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام در صلاحیت مقام رهبری دانسته شده است و به موجب عبارت ذیل اصل یادشده، مقام رهبری صلاحیت دارد تا بخشی از صلاحیت خود را به دیگری تفویض کند، در این

صورت، ماهیت مصوبات این شورا را می‌توان با اغماض^۱، سیاست موضوع بند ۱ اصل ۱۱۰ دانست.

با عنایت به تعاریف ذکر شده برای «سیاست‌های کلی نظام» که آن را تنها ناظر بر جهت‌گیری‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در ابعاد گوناگون دانسته^۲ یا تعیین و تدوین مقتضیات کلی دولت به شمار آورده‌اند^۳ و با عطف توجه به این نکته که در حکم مقام رهبری علاوه بر سیاست‌گذاری، «تصمیم‌گیری و هماهنگی در حوزه فضای مجازی» نیز برای آن شورا پیش‌بینی شده است، قدر متیقن آن است که کل مصوبات این شورا را نمی‌توان سیاست‌گذاری به شمار آورد. پس حسب مورد باید آن‌ها را جزو قوانین یا مقررات دانست و روش‌های نظارت بر این قبیل هنجارها را بر مصوبات این شورا بار کرد.

با پذیرش این فرض، اگر مصوبات شورای عالی فضای مجازی، «قانون» محسوب شوند یا «مقرره»، دارای آثاری ویژه در زمینه نظارت‌پذیری آن‌ها خواهد بود. اگر مصوبات این شورا، «مقرره» محسوب شوند، مشمول روش‌های نظارت بر مقررات هم‌چون نظارت دیوان عدالت اداری نیز خواهند بود. بی‌تردید، در تقسیم‌بندی اخیر، منظور از «قانون»، معنای خاص آن است که به قواعدی گفته می‌شود که با تشریفات ویژه در مجلس قانون‌گذاری به تصویب رسیده است یا در شرایطی از طریق همه‌پرسی به طور مستقیم به تصویب مردم می‌رسد.^۴ با عنایت به این مقدمه، تردیدی نیست که مصوبات شورای عالی فضای مجازی را از آن جهت که مصوبات قوه مقننه محسوب نمی‌شوند، نمی‌توان «قانون» در مفهوم خاص آن به شمار آورد.

با فرض این‌که مصوبات شورای عالی فضای مجازی، «قانون» در معنای خاص آن نیستند، این مصوبات را تنها می‌توان «مقرره» محسوب کرد. در این تعریف، «مقررات» در مفهوم خاص آن، مفهومی مقابل «قانون» (مصوبات قوه مقننه) دارد^۵ و به معنای مجموعه قواعدی است که به حکم

۱. اغماض از آن جهت ذکر شده که در این صورت نیز ترتیبات شکلی مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در بند ۱ اصل ۱۱۰ رعایت نشده است.

۲. غلامی، علی و علی بهادری جهرمی، «مفهوم، ماهیت و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام»، دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۲، ص ۵۵.

۳. حق پناه، رضا، «رابطه ولی فقیه با قانون»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۱۸، ۱۳۷۸، صص ۵۰.

۴. کانونیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۶۶۹.

صریح یا ضمنی قانون‌گذار یا به اعتبار اختیار ناشی از مسئولیت اداری، توسط مقامات صلاحیت‌دار (به جز قوه مقننه) وضع می‌شود.^۱ برخی نیز این اصطلاح را ناظر بر تصمیمات عام و کلی دانسته‌اند که مقامات و نهادهایی غیر از قوه مقننه وضع می‌کنند و نتیجه آن، ایجاد قواعد حقوقی است.^۲

با پذیرش این مطلب که مصوبات شورای عالی فضای مجازی به عنوان «مقرره» در نظام حقوقی ایران قابل شناسایی هستند، این شبهه قابل طرح است که در حکم تأسیس شورای عالی فضای مجازی توسط مقام رهبری، این‌گونه مقرر شده است که «به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود». از این جهت، بنا بر حکم حکومتی مقام رهبری باید مصوبات این شورا را واجد شأنی مشابه «قانون» دانست. در تأیید این شبهه ممکن است به وضعیت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظام حقوقی ایران به عنوان نهاد مشابه با شورای عالی فضای مجازی اشاره شود که مصوبات آن صراحتاً «در حکم قانون» دانسته شده‌اند و در رویه، هم‌شان با «قانون» قلمداد می‌شوند.

در مقام ردّ این شبهه، تأکید بر این نکته لازم است که از عبارت «به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود»، می‌توان دو برداشت متفاوت داشت. در برداشت نخست، «ترتیب آثار قانونی دادن» به یک مصوبه به آن معناست که همه آثار «قانون» در معنای خاص آن، الّا و لابد بر مصوبات این شورا بار شود. از این جهت، همان‌طور که مراجع نظارت‌کننده بر «مقررات» نمی‌توانند بر «قوانین» نظارت کنند، امکان نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی نیز از حدود صلاحیت‌هایشان خارج است.

نکته قابل توجه در خصوص این رویکرد آن است که با پذیرش این دیدگاه، نظام حقوقی با سه نوع «قانون» مواجه خواهد بود و علاوه بر قوانین مصوب مجلس و همه‌پرسی، مصوبات نهادهایی هم چون شورای عالی فضای مجازی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی را نیز شامل خواهد شد. این دیدگاه علاوه بر این‌که با ظاهر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم‌خوانی ندارد، از آن رو محل انتقاد جدّی است که بر خلاف مصوبات مجلس و همه‌پرسی که به صورت پیشینی و در چارچوب

۱. موسی‌زاده، رضا، **حقوق اداری** (۱-۲)، تهران: میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰.

۲. امامی، محمد و کورش استوارسنگری، **حقوق اداری** (جلد ۲)، تهران: میزان، ۱۳۹۳، ص ۳۹؛ مدنی، سید جلال‌الدین، **حقوق اداری** (جلد ۱)، تهران: پایدار، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶؛ غمامی، محمد مهدی، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۴۴۹.

نظامات قانونی، مورد نظارت شورای نگهبان قرار می‌گیرند، هیچ‌گونه سازوکار و فرآیندی برای نظارت شورای نگهبان بر مصوبات این قبیل شوراها وجود ندارد. این وضعیت علاوه بر این‌که می‌تواند سلسله مراتب هنجاری در نظام حقوقی را خدشه‌دار کند، می‌تواند موجب نقض حقوق و آزادی‌های قانونی شهروندان شود. از سوی دیگر، در این صورت، به غیر از امکان نظارت شرعی پسینی به استناد اصل ۴، هیچ سازوکار قانونی برای نظارت پسینی بر این قبیل مصوبات وجود ندارد و به نوعی باید این قبیل مصوبات را نظارت‌ناپذیر دانست که با مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مغایر است.

با توجه به اشکال‌های ذکرشده که گویای غلط بودن دیدگاه نخست است، باید عبارت «به کلیه مصوبات آن، ترتیب آثار قانونی داده شود» را به صورت حداقلی تفسیر کرد و منظور از این عبارت را صرفاً تأکیدی بر «لازم‌الاجرا بودن» این مصوبات برای دستگاه‌های اجرایی دانست. به بیان دیگر، ترتیب اثر قانونی دادن به مصوبات این قبیل مراجع به مثابه قانون دانستن آن‌ها نیست و صرفاً از نظر آثار اجرایی و شیوه اجرا، اثر قانون را دارد. در این حالت، بدیهی است که همانند دیگر مقررات باید امکان تسری نظارت‌های قانونی بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی را فراهم کرد. این تفسیر می‌تواند چالش مطرح‌شده درباره نظارت‌ناپذیری مصوبات دیگر شوراها را عالی ایجادشده به دست مقام رهبری را نیز برطرف سازد و ضمن تضمین اصل سلسله مراتب هنجاری، آن را هر چه بیش‌تر با مبانی فقهی و حقوقی پذیرفته‌شده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران هم‌سو گرداند.

بند دوم: الزامی نبودن انتشار مصوبات این شورا

یکی دیگر از موانع جدی نظارت‌پذیری مصوبات شورای عالی فضای مجازی، الزامی نبودن انتشار مصوبات آن شورا است. در این زمینه، تبصره ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی مقرر داشته است: «آن دسته از مصوبات شورای عالی که بنا بر تشخیص دبیر، انتشار عمومی آن ضرورت دارد، به منظور درج و انتشار به روزنامه رسمی کشور ابلاغ می‌شود.» بر اساس این تبصره، طبق آیین‌نامه داخلی این شورا، انتشار عمومی مصوبات شورای عالی فضای مجازی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که انتشار عمومی آن‌ها بنا به تشخیص دبیر این شورا ضروری دانسته شود. از این جهت، ممکن است برخی از مصوبات این شورا هیچ‌گاه منتشر نشوند. هم‌چنین طبق ماده

۸ آیین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی^۱، حتی مشروح مذاکرات و اوراق و اسناد مربوط به جلسات این شورا دارای طبقه‌بندی حفاظتی هستند و محرمانه به شمار می‌آیند. پس حتی برخی اخبار و اسناد مربوط به جلسات این شورا نیز قابل انتشار و استناد نیستند. از این جهت، امکان آگاهی یافتن از محتوای برخی مصوبات به کلی منتفی می‌شود.

عوامل ذکرشده به مرور موجب خواهد شد که نظام حقوقی به سمت ناشفاف شدن حرکت کند و مستند بسیاری از تصمیمات و اقدامات که می‌تواند حتی با حقوق و آزادی‌های شهروندان در ارتباط باشد، مشخص نباشد. این در حالی است که مردم نباید دچار هیچ‌گونه سوء تفاهمی درباره چگونگی سازمان‌دهی جامعه خود باشند و این امر می‌تواند به مشروعیت نهادهای حقوقی و سیاسی آسیب بزند.^۲

این وضعیت را می‌توان مغایر با مبانی فقهی و حقوقی حاکم بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران دانست. در حالی که قانون اساسی در اصول مختلف تلاش دارد علاوه بر آگاه‌سازی مردم از محتوای قوانین،^۳ آن‌ها را از جریان مذاکرات مجلس شورای اسلامی باخبر کند،^۴ چنین ضوابط و رویه‌هایی می‌تواند موجب افزایش فاصله بین مردم و حاکمیت شود. این عامل موجب شده است در موارد مشابه مانند مقررات هیئت دولت نیز ضوابط موجود بر ضرورت انتشار عمومی دلالت کنند. تبصره ماده ۳۰ آیین‌نامه داخلی هیئت دولت (مصوب ۱۳۶۸) نیز مقرر داشته است: «مصوباتی که علاوه بر دستگاه‌های اجرایی و کارکنان آن برای سایر مردم حق و تکلیف ایجاد می‌نمایند، ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجراست، مگر آن‌که در خود مصوبه، زمان یا کیفیت خاصی برای اجرای آن پیش‌بینی شده باشد.» پس حداقل در خصوص آن دسته

۱. ماده ۸: «اوراق و اسناد کتبی، الکترونیکی، صوتی و تصویری ارائه‌شده در جلسات شورای عالی و نیز مشروح مذاکرات شورا دارای طبقه‌بندی حفاظتی است و مرجع آن، دبیر است. بهره‌برداری از این اسناد برای اعضای شورا مشروط به حفظ طبقه‌بندی بلامانع است.»

۲. والدرون، جرمی، «اصول قانون‌گذاری»، ترجمه: حسن وکیلان، نشریه حقوق اساسی، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵.

۳. اصل ۱۲۳ قانون اساسی و ماده ۱ قانون مدنی مشخصاً در پی اعلان عمومی قوانین بوده‌اند.

۴. اصل ۶۹ قانون اساسی صراحتاً مقرر داشته است: «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود.»

از مصوبات شورای عالی فضای مجازی که با حقوق و آزادی‌های مردم ارتباط دارند، وابسته شدن انتشار مصوبات به تشخیص دبیر شورا، خلاف مبانی نظام حقوقی کشور است.

علاوه بر دلایل ذکرشده، از یک سو، دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات، یکی از اصول پذیرفته‌شده در نظام‌های حقوقی امروزی است و دولت در این زمینه، تعهدات سلبی و ایجابی دارد.^۱ از سوی دیگر، نظام حقوقی ایران این موضوع را به صراحت در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مصوب ۱۳۸۸) پذیرفته است. از این رو، منتشر نشدن مصوبات شورای عالی فضای مجازی، خلاف ضوابط و اصول یادشده است. به موجب تبصره ماده ۵ این قانون مقرر شده است: «اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است، باید علاوه بر موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد.» پس شورای عالی فضای مجازی به عنوان یکی از مراجع عمومی تصمیم‌گیر باید به تکالیف مندرج در این قانون ملتزم باشد.

چون ممکن است تصمیمات شورای عالی فضای مجازی، حقوق و تکالیف خاصی برای مردم ایجاد کند، انتشار نشدن مصوبات این شورا ممکن است در مصادیقی مغایر با قاعده «قبح عقاب بلا بیان» به عنوان یکی از قواعد مسلم فقهی و حقوقی باشد. در این زمینه، علامه حلی بیان کرده است: «متوجه ساختن تکلیف به کسی که آگاهی بر آن ندارد، خواستن امری، خارج از توان و به اصطلاح، «تکلیف مالایطاق» است و چنین تکلیفی قبیح است.»^۲ هم‌چنین میرزای قمی با عبارت «لا تکلیف الا بعد البیان» به این قاعده اشاره دارد.^۳

ملاحظات ذکرشده از آن جهت اهمیت مضاعف می‌یابد که شورای عالی فضای مجازی در مصوبه ۱۳۹۱/۶/۲۵ با شناسایی «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور»، مسئولیت «تدوین و ارائه پیشنهاد در خصوص تعیین نوع فعالیت‌ها و بهره‌برداری‌های غیر مجاز در فضای

۱. تعهدات سلبی دولت‌ها مربوط به مانع‌تراشی نکردن در مسیر تحقق این حق است و تعهدات ایجابی آن‌ها ناظر به فراهم کردن وسایل و امکانات لازم برای دسترسی شهروندان به اطلاعات است. (سلیمان ده‌کردی، الهام و علی افراسیابی، «حق دسترسی آزاد به اطلاعات در نظام حقوقی بین‌المللی و ملی»، فصل‌نامه علمی-ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۹۴، ص ۷۶)

۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، *مبادی الاصول الی علم الاصول*، تهران: المطبعة العلمیه، ۱۳۶۰، ص ۹۳.

۳. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، *القوانین الحکمه فی الاصول المتقنه*، بیروت: دارالمحجّه البیضاء، ۱۴۳۱، ص ۱۴.

مجازی و تعیین جریمه و مجازات در موارد نیاز جهت تصویب در شورای عالی و عنداللزوم ارجاع به مراجع قانون‌گذاری» را برای این کمیسیون پیش‌بینی کرده است. تردیدی نیست که شورای عالی فضای مجازی حتی صلاحیت وضع مقررات کیفری و جزایی و تعیین مجازات را برای خودش مفروض می‌داند و از این جهت، لازم است انتشار مصوبات این شورا، یک ضرورت عقلایی شمرده شود.

گفتار چهارم: روش‌های نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی

با پذیرش ضرورت نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی و شناسایی موانع موجود در این مسیر، روش‌های ممکن برای نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران و چالش‌های پیش روی هر یک بررسی و تحلیل می‌شوند.

بند اول: نظارت مردم

نظارت «مردم بر دولت» یکی از اقسام مهم نظارت بر دولت و پاسخ‌گو کردن آن به شمار می‌آید. در این زمینه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۸^۱، نظارت مردم بر دولت از طریق سازوکار امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای همگانی دانسته است. به موجب این اصل، همه شهروندان حق دارند تا فارغ از جایگاه و مقام سیاسی و اجتماعی خود نسبت به اقدامات و تصمیمات ارکان مختلف دولت نظارت کنند و کج‌روی‌های احتمالی را به مسئولان مربوط متذکر شوند. طبیعتاً این نظارت می‌تواند از طریق تذکر، نامه‌نگاری، انتشار مطلب در نشریات و مطبوعات یا دیگر رسانه‌ها، تجمعات و گردهم‌آیی‌ها و نظایر آن محقق شود.

تردیدی نیست که فارغ از ماهیت مصوبات شورای عالی فضای مجازی، نظارت مردمی بر مصوبات این شورا ممکن است و می‌تواند آن شورا را از تصمیمات خود منصرف کند. البته اشکال ذکرشده مبنی بر این‌که ممکن است برخی از مصوبات شورای عالی فضای مجازی، انتشار عمومی پیدا نکنند، مانعی جدی در مسیر اعمال این نظارت خواهد بود. این در حالی است که اصل ۸

۱. اصل ۸: در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

قانون اساسی و امکان اعمال نظارت مردمی بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی را می‌توان به عنوان یکی از مبانی ضرورت انتشار مصوبات این شورا به شمار آورد. برای امکان پذیر شدن اعمال اصل ۸ قانون اساسی راجع به مصوبات شورای عالی فضای مجازی باید آن شورا را به انتشار عمومی مصوباتش - جز در مواردی که استثنائاً توجیه منطقی امنیتی دارند - مکلف دانست.

بند دوم: نظارت شرعی توسط فقهای شورای نگهبان

یکی از فراگیرترین و گسترده‌ترین روش نظارت بر هنجارهای حقوقی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان است. مستند این نظارت، اصل ۴ قانون اساسی است که مقرر می‌کند: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

در این تحقیق، ماهیت مصوبات شورای عالی فضای مجازی، «مقرره» دانسته شد و از این جهت، باید این قبیل مصوبات را به دلالت لفظ «مقررات» در ظاهر اصل یادشده، مشمول نظارت فقهای شورای نگهبان دانست. با این حال، با عنایت به مبنای شناسایی این اصل که به دنبال جلوگیری از ظهور و بقای هرگونه هنجار الزام‌آور خلاف شرع در نظام حقوقی است، باید لفظ «قوانین» در این اصل را در معنای موسع آن و به معنای هر سند دارای ضمانت اجرا حمل کرد که مقامات صالح وضع کنند.^۱ مبتنی بر اطلاق واژه «قوانین» در اصل ۴ قانون اساسی باید نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان را بر همه هنجارهای الزام‌آور از جمله مصوبات شورای عالی فضای مجازی حاکم دانست.

عموم عبارت صدر اصل ۴ قانون اساسی نیز که بر لزوم انطباق «کلیه» قوانین و مقررات حاکم بر حوزه‌های «مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها» با موازین اسلام حکم کرده، مؤید این ادعاست. با عنایت به این واقعیت که همه هنجارهای حاکم بر حوزه‌های مورد اشاره در قوانین و مقررات در تعریف خاص و مضیق آن‌ها تعیین نشده‌اند، تفسیر

۱. دانش‌پژوه، مصطفی، منابع حقوق، تهران: جنگل، ۱۳۹۱، ص ۲۱؛ کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲، چاپ هشتم و نهم، ص ۱۲۰.

منطقی و منطبق با غرض اصل ۴ قانون اساسی آن است که عبارت «کلیه قوانین و مقررات»، شامل هر نوع هنجار الزام‌آوری است که در حوزه‌های مورد اشاره، باید و نبایندی ایجاد کرده است.

در تأیید این رویکرد، برخی حقوق دانان، اصل ۴ را شامل تمامی سطوح هنجارهای لازم‌الاجرا در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی دانسته‌اند.^۱ جالب آن است که برخی از لفظ «کلیه» در عبارت «کلیه قوانین و مقررات» در صدر اصل ۴ قانون اساسی استفاده عموم می‌کنند و معتقدند هر چیز که بتواند مصداق عنوان «قانون» یا «مقررات» قرار گیرد، مشمول اصل چهارم خواهد بود. بر این اساس، حتی احکام وحدت رویه دیوان عالی کشور را نیز که واجد وصف کلیت است، در حکم قانون شناخته‌اند.^۲ بررسی رویه عملی فقهای شورای نگهبان نیز گواه آن است که فقهای شورا در مواردی به نظارت شرعی بر مصوبات مراجع مشابه شورای عالی فضای مجازی هم چون شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام کرده‌اند. برای نمونه، فقهای شورای نگهبان، بندهایی از «سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه مطبوعات» (مصوب ۱۳۸۰) را خلاف شرع دانسته و به موجب رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، آن‌ها را ابطال کرده‌اند.^۳

مبتنی بر ادله ذکر شده، فارغ از این‌که ماهیت مصوبات شورای عالی فضای مجازی چه باشد، بایستی امکان نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر این قبیل مصوبات را ممکن دانست. البته تعیین ماهیت مصوبات این شورا بر روش اعمال نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان تأثیر مستقیم دارد. بر خلاف نظارت شرعی مستقیم توسط فقهای شورای نگهبان که مستند به ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان^۴ ممکن است نسبت به همه قوانین و مقررات اعمال شود، برخی از روش‌های اعمال نظارت فقهای شورا هم چون نظارت شرعی از بستر دیوان عدالت اداری تنها راجع به «مقررات اداری»، مشمول صلاحیت دیوان قابلیت اعمال دارند.^۵

۱. حاجی علی‌خمسه، مرتضی، مصطفی مسعودیان و حمید فعلی، «سازوکار مطلوب نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، دوره نهم، شماره ۳، ۱۳۹۹، ص ۳۰.

۲. حسینی خامنه‌ای، سید محمد، «اصل چهارم قانون اساسی»، مجله قانون وکلا، شماره ۴، ۱۳۶۹، صص ۱۲-۱۳.

۳. رأی شماره ه/۳۰۷/۸۰ مورخ ۱۳۸۱/۵/۱۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، روزنامه رسمی، شماره ۱۶۷۴۷، ۱۳۸۱/۶/۵.

۴. ماده ۱۹: اعلام مغایرت قوانین و مقررات یا موادی از آن‌ها با شرع با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، در هر زمان که مقتضی باشد، توسط اکثریت فقهای شورای نگهبان انجام می‌یابد و تابع مدت‌های مذکور در اصل نود و چهارم قانون اساسی نمی‌باشد.

۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص این طریق نظارت شرعی نک: پروین، خیرالله و محمدامین ابریشمی‌راد، «سازوکار مطلوب نظارت

در این زمینه، تأکید بر این نکته مفید خواهد بود که به استناد این‌که مصوبات این شورا طبق ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی^۱ به «استحضار» مقام رهبری می‌رسند، نمی‌توان شمول نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر این قبیل مصوبات را منتفی دانست؛ چون اولاً نظارت شرعی موضوع اصل ۴ قانون اساسی به صورت مقید پیش‌بینی نشده است. ثانیاً در این موارد، به دلیل تردید در اعمال نظارت شرعی مؤثر بر آن هنجار الزام‌آور باید به شمول نظارت شرعی فقهای شورا بر این قبیل مصوبات حکم کرد. به عبارت دیگر، به صرف به استحضار رساندن یک مصوبه نمی‌تواند مشابه تأیید مصوبه، تضمین کافی و قطعی برای اعمال نظارت شرعی بر آن مصوبه محسوب شود و از این جهت، احتیاط اقتضای شمول نظارت شرعی فقهای شورا بر این قبیل مصوبات را دارد. شاید یکی از دلایل ارسال رونوشت مصوبات شورای عالی فضای مجازی برای «دبیرخانه شورای نگهبان» نیز فراهم کردن امکان نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر مصوبه شورای عالی باشد.

بنا بر آن چه گفته شد، هر چند ماهیت مصوبات شورای عالی فضای مجازی هرگز نمی‌تواند مانع نظارت فقهای شورای نگهبان بر این مصوبات باشد، اما انتشار نیافتن این مصوبات می‌تواند بر گستره نظارت این مرجع تأثیر منفی بگذارد.

بند سوم: نظارت مقام رهبری

فارغ از ماهیت مصوبات شورای عالی فضای مجازی، نظارت مقام رهبری بر مصوبات این شورا از دو منظر قابل شناسایی است. از یک منظر، با توجه به جایگاه و نقش ولی فقیه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و شناسایی این مقام به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور (اصل ۱۱۳ قانون اساسی) و از سوی دیگر، شناسایی ولایت مطلقه فقیه در اصل ۵۷ قانون اساسی به عنوان شأن مقام رهبری، این مقام را باید ناظر بر همه اقدامات و تصمیمات مراجع رسمی کشور از جمله مصوبات شورای عالی فضای مجازی دانست.

از منظر دیگر، با عنایت به این‌که شورای عالی فضای مجازی مشخصاً با حکم حکومتی مقام رهبری

۱. ماده ۱۱: مصوبات شورای عالی پس از ملاحظه رئیس شورا بلافاصله توسط دبیر به استحضار مقام معظم رهبری می‌رسد و سپس توسط دبیر به دستگاه‌ها و اشخاص ذی‌ربط ابلاغ می‌شود.

تشکیل شده و حدود صلاحیت آن به اعتبار حکم مقام رهبری تعیین گردیده، طبیعتاً استمرار وجود و تصمیم‌گیری این شورا به رضایت مقام رهبری از عملکرد آن شورا وابسته است. به عبارتی، به واسطه جایگاه مقام رهبری نسبت به شورای عالی فضای مجازی قطعاً نمی‌توان کیفیت نظارت مقام رهبری بر مصوبات این شورا را به سطح نظارت اطلاعی تقلیل داد و بی‌تردید، این نظارت را باید نظارتی مؤثر نسبت به آن شورا محسوب کرد. در این راستا، ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی بر این نکته تصریح داشته است که مصوبات این شورا باید به استحضار مقام رهبری برسند.

بنا بر ویژگی‌های ذکرشده، بر خلاف دیگر روش‌های نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی که به دلیل انتشار نیافتن مصوبات این شورا ممکن است امکان نظارت بر برخی از مصوبات فراهم نشود، با توجه به الزام آیین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی به ارسال مصوبات شورای عالی فضای مجازی برای مقام رهبری، قطعاً ایشان امکان اطلاع از همه مصوبات این شورا و اعمال نظارت مؤثر بر آن‌ها را خواهد داشت.

پذیرش نظارت مقام رهبری بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی نباید مانعی در مسیر اعمال دیگر روش‌های نظارت بر مصوبات این شورا باشد و در عرض این نظارت باید امکان نظارت مردمی، فقهای شورای نگهبان و هم‌چنین دیوان عدالت اداری را محفوظ دانست؛ مگر آن‌که به جهت یا در موارد خاص، به واسطه اعمال نظارت مقام رهبری، اعمال نظارت دیگر مراجع موضوعاً منتفی شود.

بند چهارم. نظارت قضایی توسط دیوان عدالت اداری

در هر نظام حقوقی، نظارت قضایی بر اعمال و تصمیمات اداری که به معنای کنترل این اعمال و تصمیمات توسط دستگاهی مستقل از قدرت اداری و اجرایی است، از مهم‌ترین ضمانت‌های اجرایی تحقق اصل حاکمیت قانون است و تضمینی مهم در برابر تجاوز مقامات عمومی از حدود صلاحیت‌ها و اختیارات خود به شمار می‌رود.^۱ اهمیت نظارت قضایی موجب شده است که برخی معتقد باشند حقوق واقعی وجود ندارد، مگر آن‌که یک راه‌کار قضایی برای مطالبه آن وجود داشته باشد.^۲

۱. رضایی‌زاده، محمدجواد، احسان اکبری و محمدحسن روزی‌طلب، «مطالعه تطبیقی معیارهای اعمال نظارت قضایی در حقوق اداری ایران و انگلستان»، فصل‌نامه حقوق اداری، دوره پنجم، شماره ۱۳، ۱۳۹۶، ص ۶۳.

۲. زولر، الیزابت، درآمدی بر حقوق عمومی؛ مطالعه تطبیقی بنیادهای حقوق آلمان، فرانسه، انگلستان و امریکا، ترجمه:

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، به استناد اصل ۱۷۳ قانون اساسی، امکان نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر «آیین‌نامه‌های دولتی» به رسمیت شناخته شد. در این راستا، در قوانین مربوط به دیوان عدالت اداری، نظارت بر «مقررات» بر عهده هیئت عمومی دیوان قرار گرفت. لذا، با فرض این‌که مصوبات شورای عالی فضای مجازی در ردیف «مقررات» به شمار آید، باید آنها را مشمول نظارت هیئت عمومی دیوان دانست. این نظر مبتنی بر ملاک‌های شخصی یا شکلی (شکایت مردم از حکومت) و موضوعی یا ماهوی (اداری بودن موضوع دعوا) تعیین‌کننده صلاحیت دیوان عدالت اداری نیز قابل تأیید است.^۱ البته، با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری (الحاقی ۱۴۰۲) که «رسیدگی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی در حوزه صلاحیت این نهادها» را از شمول صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری خارج دانسته و اصل بر شمول نظارت قضایی دیوان بر همه مقررات است، صرفاً باید آن دسته از مصوبات شورای عالی فضای مجازی که «در حوزه صلاحیت» آن شورا وضع شده را از شمول نظارت دیوان خارج دانست؛ ولیکن آن دسته از مصوبات شورای عالی فضای مجازی که خارج از «حوزه صلاحیت» آن شورا است را کماکان مشمول نظارت دیوان دانست تا از نظر «مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود» مورد نظارت دیوان قرار گیرد.

از سوی دیگر، از نظر مبنایی، حق دادخواهی، یکی از اصول پذیرفته شده در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود (اصل ۳۴ قانون اساسی) و در یک نظام حقوقی، اصل بر این است که هیچ یک از اعمال و رفتار زمام‌داران نباید خارج از قواعد از پیش تعیین شده و فراتر از سازوکارهای نظارتی قرار گیرد.^۲ از این رو، خارج دانستن همه مصوبات شورای عالی فضای مجازی از شمول نظارت دیوان،

سید مجتبی واعظی، تهران: جاودانه جنگل، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳.

۱. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رک: آیین‌نگینی، حسین و محمدامین ابریشمی‌راد، «مطلوب‌سازی دیوان عدالت اداری مبتنی بر جایگاه و صلاحیت‌های دیوان مظالم در ایران و اسلام»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال چهارم، شماره ۹، ۱۴۰۱، صص ۱۳۶-۱۳۸.

۲. گرجی، علی‌اکبر، «حاکمیت قانون و محدودیت‌های حق خواهی در دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۹، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸.

مغایر با مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود.

در راستای تأیید ضرورت نظارت دیوان عدالت اداری بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی می‌توان به امکان مغایرت این مصوبات با قانون اساسی یا قوانین عادی یا ایجاد تداخل در سلسله مراتب هنجاری و نظم حقوقی کشور به واسطه مصوبات این شورا اشاره کرد. برای نمونه، در بند ۱ مصوبه شماره ۱ جلسه ۵۳ مورخ ۱۳۹۷/۷/۳ شورای عالی فضای مجازی با عنوان «تعیین تکلیف وظایف اجرایی شورای عالی انفورماتیک»،^۱ وظایفی که در قوانین مختلف برای مراجع دیگر شناسایی شده بود، به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات محوّل شد. بند ۳ این مصوبه با علم به مغایرت این مصوبه با قوانین جاری و ضرورت اصلاح آن‌ها بیان داشته است: «تا زمان تصویب قوانین و مقررات اجرایی اصلاحی، در چارچوب بند ۱ اقدام شود».

مبنتی بر مطالب ذکرشده، با وجود مستثنی شدن آن قسمت از مصوبات شورای عالی فضای مجازی که در حوزه صلاحیت آن شورا وضع شده از صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و با فرض اینکه دیوان عدالت اداری به عنوان یک دادگاه اختصاصی در ذیل قوه قضائیه محسوب می‌شود^۲، باید مصوبات شورای عالی فضای مجازی در این موارد را به استناد اصل ۱۵۹ قانون اساسی مشمول نظارت عام دادگاه‌های دادگستری قلمداد کرد. البته الزام نداشتن شورای عالی فضای مجازی به انتشار مصوبات آن شورا می‌تواند مانعی جدی در زمینه نظارت بر این قبیل مصوبات باشد.

۱. بند ۱؛ وظایف و مسئولیت‌های اجرایی شورای عالی انفورماتیک سابق در خصوص ثبت نرم‌افزارهای رایانه‌ای و صدور تأییدیه فنی برای نرم‌افزارها (موضوع مواد ۸ و ۱۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، مصوب ۱۳۷۹ و مواد ۲۳ و ۳۱. آیین‌نامه اجرایی ثبت نرم‌افزار و نظام صنفی رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۳)، کمیته حق اختراع (موضوع ماده ۱۰ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، مصوب ۱۳۷۹ و مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ آیین‌نامه اجرایی ثبت نرم‌افزار و نظام صنفی رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۳)، صلاحیت نظارت بر نظام صنفی رایانه‌ای (موضوع ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۵۹ آیین‌نامه اجرایی ثبت نرم‌افزار و نظام صنفی رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۳) و وظایف اجرایی موضوع مواد ۲۱ و ۲۲ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد پیرامون استفاده از نرم‌افزارهای اداری و مالی به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات محول شود.

۲. ابریشمی‌راد، محمدامین و آیین‌نگینی، حسین، «نسبت‌سنجی جایگاه و صلاحیت‌های دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه پژوهش نوین حقوق اداری، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۸، صص ۱۲۵-۱۳۶.

نتیجه‌گیری

با شناسایی شورای عالی فضای مجازی به عنوان مرجع سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در زمینه فضای مجازی کشور، اثبات ضرورت نظارت بر مصوبات این شورا و موانع پیش روی آن از جمله چالش‌های نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. این موضوع، پژوهش در این حوزه و شناسایی روش‌های نظارت بر این قبیل مصوبات را ضروری می‌کند.

تحقق این ضرورت، نیازمند شناسایی موانع نظارت‌پذیری مصوبات این شورا بود که با بررسی‌های انجام‌شده دریافتیم مبهم بودن ماهیت مصوبات شورای عالی فضای مجازی و الزامی نبودن انتشار مصوبات این شورا از جمله مهم‌ترین موانع نظارت بر این مصوبات به شمار می‌آیند. این در حالی است که بنا بر بررسی‌های صورت‌گرفته اثبات شد که عبارت مندرج در حکم مقام رهبری راجع به شورای عالی فضای مجازی («به کلیه مصوبات آن، ترتیب آثار قانونی داده شود») را نباید به معنای «قانون» بودن ماهیت مصوبات آن شورا تلقی کرد و ماهیت این مصوبات در صورتی که «سیاست» نباشند، «مقرره» است. از سوی دیگر، الزامی نبودن انتشار مصوبات این شورا به خصوص در مواردی که بر حقوق و آزادی‌های شهروندان اثر می‌گذارد، خلاف مبانی و ضوابط حاکم بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است.

با تأکید بر ضرورت رفع موانع ذکرشده، نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی از چهار طریق نظارت مردم در چارچوب اصل ۸ قانون اساسی (امر به معروف و نهی از منکر)، نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان (اصل ۴ قانون اساسی)، نظارت مقام رهبری (اصل ۵۷ قانون اساسی) و نظارت قضایی از طریق دیوان عدالت اداری (اصل ۱۷۳ قانون اساسی) یا حسب مورد دادگاه‌های عمومی دادگستری (اصل ۱۵۹)، ممکن دانسته شد. در این راستا، علاوه بر مقام رهبری که به واسطه ارسال خودکار همه مصوبات شورای عالی فضای مجازی برای ایشان، ظرفیت خوبی برای اعمال نظارت بر مصوبات این شورا است و می‌تواند از لازم‌الاجرا شدن یا استمرار اثرگذاری مصوبات این شورا جلوگیری کند، به منظور تحقق نظارت مردمی، ضمن ضرورت رفع موانع انتشار مصوبات این شورا، تضمین آزادی بیان و دیگر آزادی‌های مرتبط با آن هم‌چون آزادی نشریات، مطبوعات و دیگر ابزارهای اعتراض و انتشار عمومی، یکی از مهم‌ترین روش‌های تحقق این نوع نظارت هستند.

هم‌چنین به منظور تضمین نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان لازم است تا ضمن الزامی کردن ارسال رونوشتی از همه مصوبات شورای عالی فضای مجازی برای دبیرخانه شورای نگهبان، زمینه اعمال ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان را فراهم کرد. اگر نظام حقوقی در زمینه «مقرر بودن» ماهیت مصوبات شوراهای عالی ایجاد شده توسط مقام رهبری هم‌چون شورای عالی فضای مجازی به اجماع برسد، زمینه و بستر اعمال نظارت قانونی و شرعی نظام‌مند بر مصوبات این قبیل شوراها به واسطه تظلم‌خواهی مردم یا گزارش دیگر مراجع نظارتی نیز فراهم خواهد شد.

فهرست منابع

۱. کتاب

۱. اخوان کاظمی، بهرام، **نظارت در نظام اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۲. امامی، محمد و کورش استوارسنگری، **حقوق اداری (جلد ۱)**، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
۳. امامی، محمد و کورش استوارسنگری، **حقوق اداری (جلد ۲)**، تهران: میزان، ۱۳۹۳.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۷.
۵. دانش پژوه، مصطفی، **منابع حقوق**، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
۶. زولر، الیزابت، **درآمدی بر حقوق عمومی؛ مطالعه تطبیقی بنیادهای حقوق آلمان، فرانسه، انگلستان و امریکا**، ترجمه: سید مجتبی واعظی، تهران: جاودانه جنگل، ۱۳۸۸.
۷. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، **حقوق اداری**، تهران: سمت، ۱۳۹۵.
۸. علامه حلی، حسن بن یوسف، **مبادی الاصول الی علم الاصول**، تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۶۰.
۹. عمید زنجانی، عباس‌علی و ابراهیم موسی‌زاده، **نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۱۰. غمامی، محمدمهدی، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، **مقدمه علم حقوق و مطالعه نظام حقوقی ایران**، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
۱۲. مدنی، سید جلال‌الدین، **حقوق اداری (جلد ۱)**، تهران: پایدار، ۱۳۸۷.
۱۳. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، **القوانین الحکمه فی الاصول المتقنه**، بیروت: دارالمحجه البيضاء، ۱۴۳۱.
۱۴. موسی‌زاده، رضا، **حقوق اداری (۲۰۱)**، تهران: میزان، ۱۳۸۹.
۱۵. نایینی، محمدحسین، **تنبيه الامه و تنزیه الملّه**، با توضیحات: سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶.

۱۶. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مبانی کلی نظام)، تهران: میزان، ۱۳۹۴.

۲. مقاله

۱. آیین‌نگینی، حسین و محمدامین ابریشمی‌راد، «مطلوب‌سازی دیوان عدالت اداری مبتنی بر جایگاه و صلاحیت‌های دیوان مظالم در ایران و اسلام»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۴۰۱، صص ۱۲۹-۱۴۸.

۲. ابریشمی‌راد، محمدامین و آیین‌نگینی، حسین، «نسبت‌سنجی جایگاه و صلاحیت‌های دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۸، صص ۱۱۹-۱۳۸.

۳. الهام، غلام حسین و سید مصطفی میرمحمدی میبدی، «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی، دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۷)، ۱۳۹۲، صص ۱۷۸-۱۵۵.

۴. پروین، خیرالله و محمدامین ابریشمی‌راد، «سازوکار مطلوب نظارت فقهای شورای نگهبان بر مقررات دولتی از بستر نظارت دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، شماره ۲، ۱۳۹۷.

۵. حاجی علی‌خمسه، مرتضی، مصطفی مسعودیان و حمید فعلی، «سازوکار مطلوب نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، دوره نهم، شماره ۳، ۱۳۹۹، صص ۵۰-۲۵.

۶. حسینی خامنه‌ای، سید محمد، «اصل چهارم قانون اساسی»، مجله کانون وکلا، شماره ۴، ۱۳۶۹، صص ۴۱-۱۰.

۷. حق‌پناه، رضا، «رابطه ولی فقیه با قانون»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۱۸، ۱۳۷۸، صص ۷۱-۴۵.

۸. رضایی‌زاده، محمدجواد، احسان اکبری و محمدحسن روزی‌طلب، «مطالعه تطبیقی معیارهای اعمال نظارت قضایی در حقوق اداری ایران و انگلستان»، فصل‌نامه حقوق اداری، دوره پنجم، شماره ۱۳، ۱۳۹۶، صص ۸۱-۶۳.

۹. سلیمان ده‌کردی، الهام و علی افراسیابی، «حق دسترسی آزاد به اطلاعات در نظام حقوقی بین‌المللی و ملی»، فصل‌نامه علمی-ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۹۴، صص ۷۵-۱۰۰.

۱۰. غلامی، علی و علی بهادری جهرمی، «مفهوم، ماهیت و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام»، دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۲، صص ۷۲-۵۱.

۱۱. گرجی، علی‌اکبر، «حاکمیت قانون و محدودیت‌های حق خواهی در دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۹، ۱۳۸۷، صص ۱۸۹-۱۴۹.

۱۲. نجابت‌خواه، مرتضی، «ساختار و جایگاه حقوقی مرکز ملی فضای مجازی»، نشریه حقوق اساسی، دوره دوازدهم، شماره ۲۴، ۱۳۹۴، صص ۲۳۳-۲۱۱.

۱۳. والدرون، جرمی، «اصول قانون‌گذاری»، ترجمه: حسن وکیلان، نشریه حقوق اساسی، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۳۸۸، صص ۱۳۵-۱۱۵.

۳. پایان‌نامه

۱. وکیلی، امیرحسین، «بررسی جایگاه، ساختار و صلاحیت‌های شورای عالی فضای مجازی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، تهران مرکز.

۴. قانون

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸.

۲. قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۴۰۲.

۳. قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷.

Monitoring the approvals of the Supreme Council of Cyberspace in the legal system of the Islamic Republic of Iran

Kosar pirnia¹

Mohammad Amin Abrishami Rad²

Abstract

With the increasing use of the Internet and cyberspace, several countries decided to organize cyberspace. Hence The Supreme Council of Cyberspace was established in 2011 by the decree of Ayatollah Khamenei for decision-making and policy-making in the field of cyberspace. In recent years, the council has adopted several legal rules in the field of cyberspace. Given the extensive powers of the High Council of Cyberspace in formulating binding regulations and creating various rights and duties for citizens, this article seeks to answer the question of the necessity, obstacles and possible ways to monitor the decisions of the High Council of Cyberspace in What is the legal system of Iran? In the present study, in a descriptive-analytical format, it was concluded that although factors such as the ambiguity of the nature of the decisions of the High Council of Cyberspace and the necessity of publishing the resolutions of this council, prevent monitoring the decisions of the High Council of Cyberspace, but by removing these obstacles and Considering the need to monitor these resolutions, the people, the jurists of the Guardian Council, the Supreme Leader and the Court of Administrative Justice should provide the ground for monitoring the resolutions of this council, and the procedures contrary to this finding need to be corrected.

Keywords: Cyberspace, Supreme Council of Cyberspace, Approvals of the Supreme Council of Cyberspace, Court of Administrative Justice.

1. Graduated Master of Public Law, Semnan university, Semnan, Iran.

2. Assistant prof. ,Department of Public law, Semnan university, Semnan, Iran. (Corresponding author) Abrishami-rad@semnan.ac.ir